

ضمانت اجرای اخذ تأمین توسط مراجع انتظامی

غلامحسین آماده (معاون قضایی ریاست کل دادگستری استان خوزستان)

در حالی که به تصریح قسمت اخیر ماده (۱۹) قانون آیین دادرسی کیفری، ضابطین دادگستری حق اخذ تأمین از متهم را ندارند؛ و به‌رغم اینکه به دلالت ماده (۱۳۲) قانون مذکور، صدور قرار تأمین از تکالیف مقام قضایی است؛ سپردن سرنوشت متهم به ضابطین دادگستری با صدور دستوراتی از قبیل «متهم با ضامن معتبر آزاد، متهم با ضامن بسیار معتبر آزاد، متهم به‌نحوی که از دسترس خارج نشود آزاد و...» همچنان رویه جاری مراجع قضایی است.

دادگاه انتظامی قضات با وجود صدور آرای متعدد در محکومیت قضات صادرکننده این‌گونه دستورات،^(۱) در تغییر رویه موجود توفیقی نداشته و قوه قضاییه نیز به‌رغم صدور بخشنامه‌های متعدد^(۲) تاکنون ره به‌جایی نبرده است.

بررسی و کنکاش پیرامون علل ایجاد و استمرار رویه جاری، مشکلات عملی ترک این شیوه و تکلیف ضابطین به انجام این نوع دستورات، حایز اهمیت است؛ اما آنچه در این مختصر به آن خواهیم پرداخت، ضمانت اجرای اخذ تأمین توسط مراجع انتظامی در سیمای دادنامه صادرشده از شعبه ۳۵ دیوان عالی کشور و نقد و ارزیابی آن از دیدگاه قانونی است.

گردشکار:

در پرونده کلاسه ۲۳۵/۲۰/۷۸، شعبه بیستم دادگاه عمومی اهواز، آقای «م.ر.» به اتهام صدور یک فقره چک بلامحل موضوع شکایت آقای «م.آ.» تحت تعقیب قرار گرفته و قاضی دادگاه باتوجه به استمهال متهم، ضمن اعاده پرونده به کلانتری دستور می‌دهد که متهم تا یک هفته با ضامن معتبر آزاد باشد.

آقای «ع.ک.» در کلانتری حاضر و با ارائه سند مالکیت، موجبات آزادی متهم را فراهم می‌آورد. متهم پس از پایان مهلت اعطا شده، به کلانتری مراجعه ننموده و ظاهراً متواری می‌شود. ضامن نیز از معرفی وی اظهارعجز می‌نماید. دادگاه بدون حضور متهم تشکیل جلسه داده و به‌موجب دادنامه شماره ۱۰۸۸-۷۸ متهم را به تحمل شش ماه حبس و پرداخت یک‌چهارم کسر موجودی چک به‌عنوان جزای نقدی محکوم نموده است. متعاقب آن، شاکی

پرونده آقای «م.آ» شکایتی علیه آقای «ع.ک»، مبنی بر فراری دادن متهم از طریق ضمانت وی در کلانتری مطرح نموده که رسیدگی به آن به شعبه ۱۹ دادگاه عمومی اهواز ارجاع گردیده و دادگاه پس از انجام تحقیقات لازم به شرح آتی مبادرت به صدور رأی نموده است.

رأی شعبه ۱۹ دادگاه عمومی اهواز^(۳):

درخصوص اتهام آقای «ع.ک» دایر بر فراری دادن متهم «م.ر» که متهم به صدور یک فقره چک بلامحل بوده از طریق ضمانت وی در کلانتری محل و عدم معرفی وی پس از ضمانت که موجب فرار وی شده است، دادگاه با عنایت به محتویات پرونده و شکایت شاکی و ملاحظه اصل پرونده شماره ۲۳۵/۲۰۷۸ که در آن ضمانت آقای «ع.ک» مشخص و معلوم است و اینکه تاکنون متهم را به این شعبه و یا شعبه ۲۰ تحویل نداده است، به نظر بزه انتسابی به وی محرز و مسلم است. به استناد ماده (۵۵۳) قانون مجازات اسلامی متهم را به نودویک روز حبس تعزیری محکوم می‌نماید. رأی صادرشده حضوری و قابل تجدیدنظر خواهی ظرف بیست روز پس از ابلاغ در دادگاه تجدیدنظر استان خوزستان است.

با تجدیدنظر خواهی محکوم علیه، پرونده به شعبه دوم دادگاه تجدیدنظر استان ارجاع گردیده و دادگاه در وقت فوق‌العاده به شرح ذیل رأی دادگاه بدوی را مورد تأیید قرار داده است:

رأی شعبه دوم دادگاه تجدیدنظر استان خوزستان^(۴):

درمورد تجدیدنظر خواهی آقای «ع.ک» نسبت به رأی شماره ۱۳۶/۸۰ - ۸۰/۲/۱۲ صادرشده از شعبه نوزدهم دادگاه عمومی اهواز که به موجب آن از جهت فراری دادن متهم «م.ر» با احراز بزهکاری و به استناد مواد مندرج در آن به تحمل نودویک روز حبس محکوم شده است، دادگاه باتوجه به محتویات پرونده و اینکه در این مرحله از رسیدگی ایراد موجهی که فسخ رأی صادرشده را ایجاب نماید، به عمل نیامده و رأی صادرشده با استدلالی که در آن به عمل آمده است صائب تشخیص می‌گردد. بنابراین، ضمن رد اعتراض، رأی صادرشده مستنداً به ماده (۲۵۷) قانون آیین دادرسی کیفری تأیید و استوار می‌گردد.

با قطعیت رأی دادگاه بدوی در دادگاه تجدیدنظر، این بار با تذکر مغایرت آرای صادرشده با موازین قانونی توسط معاون قضایی رئیس کل دادگستری استان و به استناد ماده (۲۳۵) قانون

آیین دادرسی کیفری، پرونده در شعبه ۳۵ دیوان عالی کشور مطرح و به شرح ذیل اظهارنظر می‌گردد:

رأی شعبه ۳۵ دیوان عالی کشور^(۵):

باعنایت به محتویات پرونده و با استفاده از وحدت ملاک ماده (۲۶) قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب سال ۱۳۷۹ و مواد (۲) و (۳۱) آیین‌نامه اجرایی اصلاحی قانون تشکیل دادگاههای مذکور و احراز صلاحیت دیوان عالی کشور در رسیدگی به موضوع به جهت مطرح بودن پرونده امر در شعبه، باعنایت به محتویات پرونده و باتوجه به عموم و اطلاق مقررات ماده (۵۵۳) قانون مجازات اسلامی که مورد استناد دادگاه در صدور حکم قرار گرفته است، ایراد و اشکالی در حدود تذکرات به عمل آمده در آرای صادرشده مشهود و ملحوظ نیست. لذا به رد درخواست اظهارنظر می‌گردد.

تحلیل و بررسی مستند قانونی آرای صادرشده:

در ماده (۵۵۳) قانون مجازات اسلامی که آرای مذکور مستند به آن صادر گردیده‌اند، مساعدت در فرار متهم در دو فرض پیش‌بینی شده است: الف - متهمی که قانوناً دستگیر شده و فرار کرده است. ب - متهمی که قانوناً امر به دستگیری او شده است. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، در هر فرض مذکور، مخفی نمودن متهم یا مساعدت در فرار وی زمانی صورت می‌گیرد که متهم در اختیار مراجع انتظامی نیست. در فرض اول، متهم پس از دستگیری فرار کرده و در فرض دوم، اساساً دستگیر نشده است. حال باید پرسید وضعیت متهمی که دستگیر و در مرجع انتظامی بازداشت شده و آزادی وی نه به واسطه فرار بلکه حسب دستور مقام قضایی و با معرفی ضامن صورت گرفته با کدام‌یک از فروض ماده (۵۵۳) قانون مجازات اسلامی منطبق است.

آیا به‌راستی می‌توان ضامن را به صرف عجز از معرفی متهم به اتهام فراری دادن متهم و به استناد ماده (۵۵۳) قانون مجازات اسلامی تحت تعقیب قرار داده و مجازات نمود؟ آیا مقررات ماده (۵۵۳) همان‌گونه که شعبه محترم ۳۵ دیوان عالی کشور تعبیر نموده، در این مورد دارای عموم و اطلاق است؟ آیا پیام رأی دیوان عالی کشور جز این است که دستور اخذ ضامن از

متهم در مرجع انتظامی ضمانت اجرایی به مراتب قوی تر و شدیدتر از قرار تأمین کفالت دارد؟ ضمانت اجرایی قوی برای همان دستوری که به زعم دادسرا و دادگاه انتظامی قضات، تخلفی آشکار و به تعبیر ریاست محترم قوه قضاییه در بخشنامه شماره ۱/۷۹/۱۴۱۷۰ - ۷۹/۹/۹ فاقد ضمانت اجراست. به نظر می رسد عدم انطباق مورد با ماده (۵۵۳) قانون مجازات اسلامی و فقدان وصف کیفری عجز ضامن از معرفی مضمون عنه، باتوجه به مقررات جزایی حاکم، امری بدیهی است که نیاز به شرح و تفسیر ندارد.

پی نوشت ها:

- ۱- کریم زاده ، احمد، آرای دادگاههای عالی انتظامی قضات در امور کیفری، نشر میزان، چاپ اول، ص ۶۹، آرای شماره ۳۹۹-۴۰۰ - ۷۹/۸/۲۳ و ۷۹/۹/۱۳-۴۳۶
- ۲- بخشنامه های شماره ۱/۷۷/۵۷۴۹ - ۷۷/۶/۲ و ۱/۷۹/۱۴۱۷۰ - ۷۹/۹/۹ قوه قضاییه.
- ۳- دادنامه شماره ۱۳۶-۸۰/۲/۱۲ در پرونده کلاسه ۱۴۴۱/۱۹/۷۸
- ۴- دادنامه شماره ۴۵۷/۸۰ - ۸۰/۵/۹ در پرونده کلاسه ۳۸۸/۲/۸۰ ک ت.
- ۵ - دادنامه شماره ۱۰۵ - ۸۲/۴/۲۵ در پرونده کلاسه ۸۶۱۹/۳۵/۲۵.